

شهید سیدحسین نصرایی معتقد بود در جهان اسلام باید اتحادیه‌ای مانند اتحادیه اروپا تشکیل شود



هشتاد و ششمین نشست علمی پژوهشگاه مطالعات تقریبی با موضوع بررسی آرای تقریبی شهید سیدحسین نصرایی با کارشناسی آقای دکتر عباس خامه‌یاریار راین سابق جمهوری اسلامی ایران در لبنان در تاریخ چهارشنبه ۱۴۰۳/۸/۹ در سالن جلسات پژوهشگاه مطالعات تقریبی برگزار گردید.

در این نشست آقای خامه‌یاریار گفت: غالباً سیدحسین نصرایی را در بعد فعالیت‌های نظامی حزب‌الله می‌شناسند و از او در این بعد سخن می‌گویند؛ درحالی‌که ابعاد شخصیتی ایشان بسیار فراتر از بعد نظامی است.

قطعا عظمت کار سیدحسین نصرایی در تاریخ اشغالگری نظام صهیونیستی یعنی از ۱۹۴۸ تا کنون بی‌نظیر است و هیچ‌کس نتوانسته مانند او این رژیم مجعول را به چالش بکشد؛ با این حال ایشان خود را شاگرد امامین انقلاب می‌دانست و معرفی می‌کرد. در واقع کسی جز او نمی‌توانست منویات و دستورات امامین انقلاب را در مقام عمل و میدان به اجرا در بیاورد.



در جهان اسلام دو مقوله مهم وجود دارد: وحدت و قدس. دشمن تا حد زیادی توانسته مقوله وحدت و تقریب را با فتنه و تهمت انگیزه شیعه سازی اهل سنت، تخریب کند و آن را در جهان اسلام غیر مقبول جلوه دهد. از این رو لازم است مقوله وحدت و تقریب با فکر و اندیشه و نیروی جدید بازسازی شود.

مقوله دوم قدس و فلسطین است که در این باره به ویژه در زمان داعش دشمن فعالیت بسیاری برای به انحراف کشاندن و به حاشیه راندن آن کرد. با طرح موضوعاتی مانند «شیعه عجم و شیعه عرب» و فتنه «العدو القریب ثم العدو البعید» به میدان آمدند. خوزستان ایران را با مقایسه مساحت آن با فلسطین و تحریف جمعیتی آن و معرفی همه مردم خوزستان به عنوان اهل سنت و عرب در مقابل فلسطین قرار دادند. در میان عرب جا انداختند که اول باید خوزستان را آزاد کنیم و بعد از آن به دنبال آزادی فلسطین باشیم. هم اینها برای امحای فلسطین از ذهن مسلمانان بود. اما موفق نشدند و اکنون مهم ترین مقوله در ذهن هم مسلمانان فلسطین است. امام راحل (ره) با معرفی روز قدس پیش دستانه و با نگاه عمیق به مبارزه با فتنه های دشمن در مقوله فلسطین پرداخت. برای اثبات وحدتی و تقریبی بودن سیدحسین نصرانی همین بس که محور فعالیت های او آزادی فلسطین بود. چون فلسطین مهم ترین پروژه استعماری قرن حاضر و تنها پروژه تقریبی و مشترک همه مسلمانان است.

ایشان در ادامه بیان کرد که سیدحسین نصرانی به من گفت: در تاریخ الازهر سابقه ندارد که تصویر شخصیتی یا پرچم حزب خاصی را در آن نصب کنند؛ اما پرچم حزب را در الازهر به اهتزاز درآوردند و این اوج وحدت و تقریب است.

شهید محمد سعید رمضان البوطی که به دلایلی با ایران هم رابطه خوبی نداشت و علی رغم تلاشی که کردم حاضر نشد به ایران بیاید، در بالای منبر مسجد اموی در نماز جمعه گفت: من چونان انگشتی در دستان سیدحسین نصرانی هستم.

شهید نصرایی به وحدت و تقریب باور داشت و عمر خود را صرف این باور کرد. او تاریخ وحدت و تقریب و طلایه‌داران آن را مطالعه کرده بود و اعتقاد داشت تنها راه استکبار برای شکست مسلمانان اختلاف‌افکنی در میان آنان است.



او با بررسی این روش‌ها و تلاش‌ها نقد داشت؛ بلکه معتقد بود که به تقریب باید کلان‌نگریست و در حد ایجاد اتحادیه جهان اسلام مانند اتحادیه اروپا فکر می‌کرد و یا کنفرانس سران کشورهای اسلامی را مورد تأکید قرار می‌داد که البته باید اصلاحاتی انجام گیرد. این نمونه کارها را بر کارهای فردی ترجیح می‌داد.

فعالیت وحدتی ایشان محدود به مسلمانان نبود؛ بلکه به دنبال وحدت ملی لبنان بود و میان مسلمانان و مسیحیان نیز وحدت ایجاد کرد. او با ایجاد وحدت ملی سرزمین خود را آزاد کرد.